

تحلیلی جامعه‌شناختی از ویژه گی های روستاهای در حال گذار

در منطقه کلان شهری تهران^۱

ژاله شادی طلب^۲، حسین ایمانی جاجرمی^۳، مجتبی بیات^۴

تاریخ دریافت: ۸۹/۸/۲۰ تاریخ پذیرش: ۹۰/۵/۳۱

چکیده

در حال حاضر روستاهایی در تهران وجود دارند که متأثر از پدیده مهاجر پذیری شرایط خاصی و متفاوتی با روستاهای کلاسیک پیدا کرده‌اند. در پژوهش حاضر این روستاها با عنوان «روستای در حال گذار» با استفاده از چارچوب نظری- مفهومی مهاجرت مورد بحث قرار گرفته‌اند. هدف این پژوهش ارائه چارچوب جامعه‌شناختی تشخیص و معرفی روستاهای در حال گذار مبتنی بر ویژگی‌های اجتماعی- اقتصادی آنها است. این تحقیق با استفاده از روش پژوهش اسنادی و مطالعه میدانی تلاش کرده است تا شناخت دقیقتری از این روستاها فراهم کند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مهاجرین از سه منشاء شهرهای حاشیه تهران، شهر تهران و سایر شهرهای کشور به روستاهای مورد بررسی وارد شده‌اند. مهاجرین با وجود آنکه در روستاها زندگی می‌کنند اما شیوه معیشت غالب خدماتی و صنعتی است که در خارج از روستا و عموماً در تهران و شهرهای حاشیه آن صورت می‌گیرد. این امر در کنار عواملی مانند کم آبی موجب کاهش یا از میان رفتن فعالیت‌های کشاورزی شده است. روستاهای مورد بررسی را می‌توان روستاهای خوابگاهی نامید که شکل سکونتی جدیدی به شمار می‌رود و با روستاهای کلاسیک تفاوت‌های بنیادی دارند.

واژگان کلیدی: روستاهای در حال گذار، مراحل گذار، مهاجرپذیری، کارکرد خوابگاهی، منطقه کلانشهری تهران

^۱ این مقاله بر اساس بخشی از نتایج پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی وضعیت توسعه انسانی در روستاهای در حال گذار» در گرایش مدیریت توسعه، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، که در زمستان ۱۳۸۷ توسط مجتبی بیات دفاع شده است، به نگارش درآمده است.

^۲ دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، shaditalab@ut.ac.ir

^۳ استادیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، imanijajarmi@ut.ac.ir

^۴ کارشناس ارشد علوم اجتماعی از دانشگاه تهران، bayatmojtaba@gmail.com

مقدمه

ایران کشوری در حال توسعه و در حال گذار است (عظیمی: ۱۳۸۵؛ ۴۲ و بشیریه: ۱۳۸۲؛ ۱۷۶). افزایش شهرنشینی و به تبع کاهش جمعیت روستایی یکی از پیامدهای جوامع در فرایند گذار است. در واقع بیشتر ساکنان جدید شهرها روستاییانی هستند که به دنبال کسب معاش و شرایط بهتر زندگی به شهرها مهاجرت کرده اند (گاگلر، ۱۳۷۵؛ ۱۱۷؛ کاستللو، ۱۳۸۳؛ ۹۲؛ اعتماد، ۱۳۸۵؛ ۱۰۰ و داود پور، ۱۳۸۴؛ ۱۸۱).

در نیم قرن اخیر همپای افزایش چشمگیر مهاجرت از روستا به شهر، برخی روستاها خود پذیرنده مهاجر هستند. با گسترش نسبی شبکه حمل و نقل بین شهری، بسیاری از کارگران و تهیدستان شهری در این نقاط سکنی می‌گزینند. در حقیقت اینان کسانی هستند که آمال شان زندگی در شهر بوده است و اینک به ناچار در روستایی دیگر گون مستقر شده‌اند. همراه با افزایش جمعیت مقصد نهایی، خصوصیات روستایی با ایستارهای آنان از زندگی در شهر در هم می‌آمیزند و با ساختن جامعه‌ای نابسامان، به سوق یافتن پناهگاه‌شان به سوی شهر شدن کمک می‌رسانند. در چنین شرایطی مشکلات شهری کشورهای در حال توسعه از قبیل معضلات اقتصادی ناشی از فربه‌گی بخش اقتصاد غیر رسمی، معضلات زیست محیطی مانند آلودگی، کمبود آب آشامیدنی سالم، کمبود مسکن، و پیامدهای اجتماعی نظیر کمبود منابع و امکانات خدماتی، بهداشتی و آموزشی برای پاسخگویی به نیازهای جمعیت رو به تزاید، توزیع سنی نامتعادل، بیکاری و فقر (گیدنز، ۱۳۸۶؛ ۸۵۶ - ۸۵۳) سربار روستاهای مهاجر پذیر که در نزدیکی شهر مرکزی و شهرهای اطراف واقع شده‌اند، می‌شود.

در ایران پایتخت و شهر مرکزی تهران به اتفاق شهرها و سکونتگاه‌های خودرو اطراف نمونه‌ای از مجموعه شهری در کشورهای در حال توسعه را به همراه مشکلات شان نشان می‌دهند. در سال ۱۳۷۴ دولت جمهوری اسلامی ایران با هدف مقابله با مشکلات و فراهم آوردن امکان برنامه ریزی و مدیریت واحد برای شهر تهران و کانون‌های جمعیتی اطراف، آئین نامه «طرح ریزی و مدیریت مجموعه شهری تهران و سایر شهرهای بزرگ کشور و شهرهای اطراف آنها» را تصویب کرده است. در این تصویب نامه منطقه کلانشهری تهران متشکل از همه شهرستان‌های استان تهران به غیر از فیروزکوه است که بازار واحدی از سکونت و کار را تشکیل داده‌اند و عناصر آن با هم ارتباط روزمره دارند (غمامی، خاتم و اطهاری، ۱۳۸۶؛ ۶ - ۵). مجلس شورای اسلامی نیز در سال ۱۳۸۳ لایحه «خط مشی‌ها و سیاست‌های کلی طرح مجموعه شهری تهران» را به تصویب رسانده است. بر طبق این قانون استان تهران به عنوان منطقه کلانشهری تهران دیده شده است (متوسلی و اسماعیل زاده، ۱۳۸۵؛ ۶۴).

آمارها نشان می‌دهد روستاهای منطقه کلانشهری تهران مهاجر پذیرند. روستاهای دارای جمعیت بیش از ۲۵۰۰ نفر در این منطقه حد فاصل سرشماری‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۷۵ همواره با رشد بالای

جمعیت و مهاجر پذیری مواجه بوده اند (زنجانی، ۱۳۸۲: ۷۸). همچنین طی ۱۰ سال منتهی به ۱۳۸۵ مجموعاً ۲'۹۷۷'۳۲۹ نفر مهاجر جذب این منطقه شده اند. از این میزان ۱۳/۲ درصد در روستاهای منطقه کلانشهری تهران سکونت گزیده اند. نتایج سرشماری ۱۳۸۵ نشان می‌دهد که افزایش جمعیت در روستاهای پر جمعیت استان تهران روند تندتری نسبت به روستاهای کم جمعیت داشته است (www.sci.org.ir، ۱۳۸۷). به نظر می‌رسد آن دسته از روستاهای منطقه کلانشهری تهران که با رشد جمعیت و مهاجرپذیری مواجه هستند، در فرایند گذار از روستا به شهر قرار گرفته اند.

شهرستان های عضو منطقه کلانشهری تهران سهم بسیاری در پذیرش مهاجرینی که به استان تهران وارد می‌شوند دارند. شهرستان رباط کریم با توجه به واقع شدن در ۴۰ کیلومتری جنوب غربی تهران، به ترتیب پس از شهرستان های تهران، کرج و شهریار، ۹ درصد از مهاجرین وارد شده به منطقه را جذب کرده است (متوسلی و اسماعیل زاده، ۱۳۸۵: ۶۶ و ۷۱). بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۸۵ شهرستان رباط کریم جمعیت بالغ بر ۶۱۴'۵۸۶ را در ۱۴۹'۴۴۴ خانوار شهری و روستایی جای داده است. ۱۰۵'۷۳۶ نفر از جمعیت شهرستان رباط کریم در ۲۰'۳۳۸ خانوار روستایی در ۴۵ آبادی و بقیه در ۳ شهر ساکن هستند. این شهرستان طی ۱۰ سال ۲۶۹'۷۰۳ نفر مهاجر را جذب کرده است. از این تعداد ۲۰/۸ درصد (۵۵'۹۹۶ نفر) در مناطق روستایی شهرستان ساکن شده اند. سهم رباط کریم از پذیرش مهاجرینی که به مناطق روستایی منطقه کلانشهری تهران وارد شده اند ۱۴ درصد است. این مسئله بیشتر روستاهای این شهرستان را در فرایند گذار از روستا به شهر قرار داده است.

در این مقاله که بخشی از یافته های پژوهشی در دو روستای حصار مهتر و انجم آباد از بخش مرکزی شهرستان رباط کریم واقع در منطقه کلانشهری تهران را ارائه می‌کند، سعی می‌شود؛ در مورد چارچوبی جامعه‌شناختی برای تشخیص روستاهای در حال گذار و ترسیم سیمای آنها بحث شود.

چارچوب مفهومی - نظری

مهاجرت دائمی به شهر تنها یکی از انواع ارتباط روستاییان با شهر است. عواملی که ممکن است زمینه مهاجرت به شهر را فراهم کند از روستایی به روستایی دیگر متفاوت است. بسته به شرایط زندگی و نوع ارتباط روستا با شهر، روستاییان به شهر مهاجرت می‌کنند (کاستللو، ۱۳۸۳: ۸۹). محدود شدن فرصت اشتغال در روستا بواسطه اقداماتی نظیر اصلاحات ارضی و سرمایه گذاری ناکافی در بخش کشاورزی، روستاییان را در پی یافتن شغل در بخش های صنعت و خدمات عمومی روانه شهرها می‌کند (لوید، ۱۳۸۱: ۱۰۴). روستاییان مهاجر در شهر با مسائل و معضلات بسیاری از قبیل اشتغال، محل سکونت و تحصیلات فرزندان مواجه هستند. محل زندگی اغلب مهاجرین روستایی حلی آباد ها و حاشیه شهرها است (دیاس و ویکرانایاک، ۱۳۷۷: ۵۴). عده ای از این مهاجران در پی برقراری تعادل

بین شغل و تامین امکانات مناسب زندگی؛ اقدام به مهاجرت به شهرهای حاشیه شهر مرکزی و یا روستاهای اطراف شهرهای مرکزی و حاشیه ای می کنند.

روستاهای اطراف شهرهای مرکزی و حاشیه ای با قرار گرفتن در حوزه نفوذ شهری کارکردهایی را در خدمت رفع نیازهای شهرهای مرکزی و حاشیه ای در حوزه های جغرافیایی، اداری، سیاسی، فرهنگی، کالبدی، خدماتی و خوابگاهی بر عهده می گیرند (رضوانی، ۱۳۸۲: ۳۸ و دامز، ۱۹۹۸: ۳۱۸). «بسیاری از روستاهای پیرامون مادر شهرها، به عنوان خوابگاه و محل سکونت جمعیت اضافی شهرها» (فرید، ۱۳۸۱: ۲۴۸) مورد استفاده قرار می گیرند. بیشتر جمعیت مهاجر این نقاط جمعیتی در بخش هایی شاغل اند که با کار و تولید زراعی روستا در ارتباط نیست. آن دسته از مهاجرینی که به امید زندگی بهتر از زادگاه شان با هدف استقرار در شهر مهاجرت کرده اند اما توان اقتصادی لازم جهت سکونت در شهر را ندارند؛ سرانجام در روستاهای مهاجر پذیر ساکن می شوند (اسلیوز و دیگران، ۲۰۱۰: ۹-۱۰). با افزایش فزاینده جمعیت این روستاها در نتیجه مهاجر پذیری حرکت آنها در فرایند تبدیل شدن به شهر تسهیل می شود. روستاهای مهاجر پذیر در سلسله مراتب درجات روستایی و شهری وارد مرحله «زیر شهری» می شوند (فشارکی، ۱۳۷۵: ۳۷). اصطلاح زیر شهری از این رویکرد سرچشمه می گیرد که شیوه زندگی روستایی و شیوه زندگی شهری دو قطب خالص و قطعی نیستند. بلکه این شیوه ها در پیوستاری قرار دارند که طی آن ممکن است خصوصیات اصلی هر یک در خصوصیات اصلی دیگری متداخل شود (وبستر و دیگران، ۲۰۱۰: ۱۳۷).

روستاهای در حال گذار: آن دسته از روستاهایی که به دلیل مهاجر پذیری وارد مرحله زیر شهری می شوند؛ روستاهای در حال گذار هستند. در ادبیات نظری موجود این روستاها عموماً تحت عنوان پدیده های «روستا - شهر»^۱ و «شهرگرایی روستایی»^۲ مورد توجه قرار گرفته اند. مفهوم روستا - شهر قائل به یک رویکرد توسعه ای است. ناحیه های روستا - شهری با تراکم جمعیتی بالا، اشتغال غیر کشاورزی در کنار اشتغال کشاورزی، و ظرفیت های لازم برای رسیدن به رشد و توسعه دارای حدی از خودگردانی بوده و به عنوان قطب توسعه مورد توجه قرار می گیرند (فریدمن و داگلاس: ۱۳۶۳؛ ۶۱). مفهوم روستا نشینی شهری نیز در سالهای دهه ۱۹۶۰ میلادی در پاسخ به پدیده مهاجرت از شهرها به روستاها در کشورهای توسعه یافته طرح شد. در این مفهوم مهاجرین علی رغم سکونت در روستا، اشتغال و وابستگی های خود در شهر را حفظ کرده و به صورت روزانه بین شهر و روستا در رفت و آمد هستند. دلیل این امر آرامش زندگی در روستا است (برنار شاریه، ۱۳۷۳: ۱۱۹).

^۱ Agro polis

^۲ Rurbanisation

با توجه به گستره مفهومی روستا - شهر و شهر گرایی روستایی از یک سو، و ویژگیهای خاص نقاط جمعیتی مورد بحث از سوی دیگر و با علم به وجود این دیدگاه ها، نقاط جمعیتی فوق تحت عنوان «روستاهای در حال گذار» مورد بررسی قرار می گیرد. این نقاط جمعیتی در جامعه ای در حال گذار واقع شده اند و نمی توان گفت که توسعه یافته اند. بلکه سطح توسعه یافتگی آنها بازتابی از سطح توسعه یافتگی جامعه کل است. و مشکلات شهری مختص به کشورهای در حال توسعه نیز سربار آنان شده است. شیخی به این روستاها عنوان «سکونتگاه های خودرو» اطلاق کرده است و می نویسد: «آنها نه روستا به شمار می آیند و نه تماماً ویژگی های جامعه و ساختار شهری دارند. آنها در نهایت امر سکونتگاهی بین شهر و روستا با گرایش به دومی و متأثر از مشخصه های اولی هستند!» (۱۳۸۵: ۸۰).

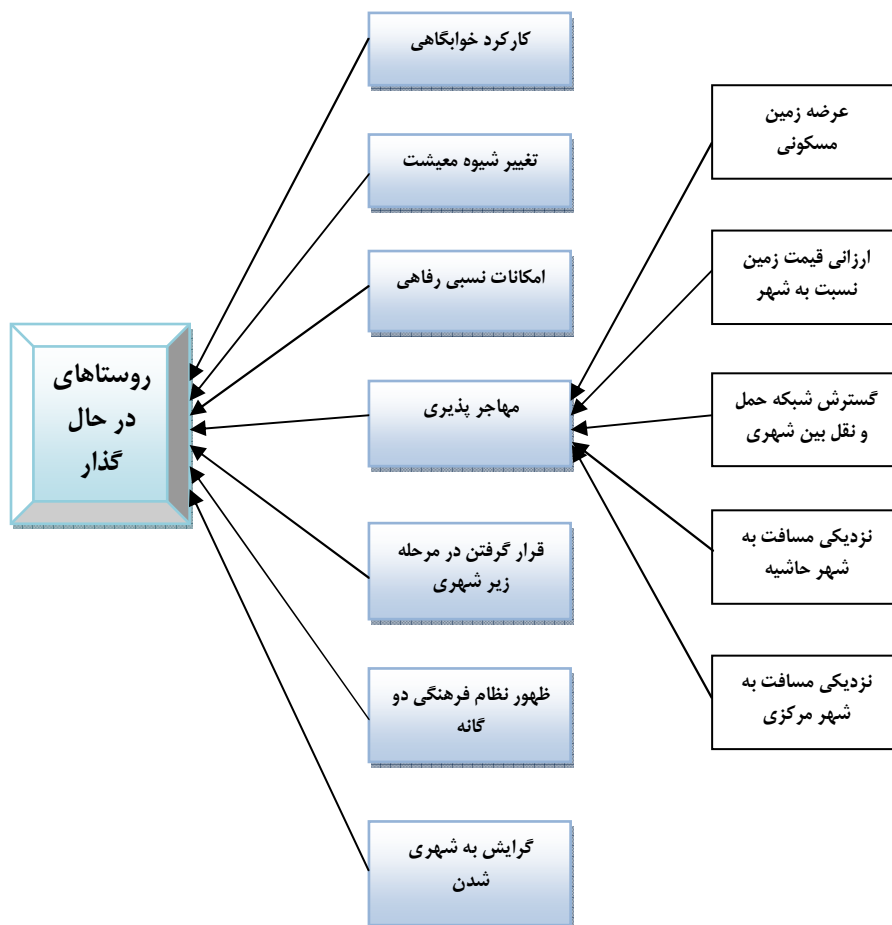
مراحل گذار: در حالی که در ادبیات جامعه شناسی و توسعه روستایی بحثی در خصوص روستاهای در حال گذار صورت نگرفته است؛ در ادبیات شهرسازی مقصد نهایی این نقاط جمعیتی در فرایند گذار تبدیل شدن به سکونتگاه خودرو است. ادبیات نظری و تجربی نشان می دهد روستاهای مهاجرپذیر در فرایند گذار از سه مرحله عبور می کنند. مرحله اول «شکل گیری اولیه» نام دارد. در این مرحله کارگران شاغل در صنایع با فراهم کردن زمینی در مساحت کم و با کمک سایرین یک شبه سرپناهی برای خویش می سازند. در این مرحله زیرساخت های لازم جهت سکونت نظیر خدمات عمومی، آب، برق، تلفن و ... به طور کامل مهیا نشده است. رشد جمعیت بالا و سکونتگاه در ارتباط عملکردی کامل با کلانشهر مرکزی است، این در حالی است که ساکنین از ایستارها و ویژگی های اجتماعی - فرهنگی روستایی پیروی می کنند.

مرحله دوم «دوره انتقال و گذار سکونتگاه» نام دارد. در این مرحله رشد سریعی در نتیجه ی ورود جمعیت بیشتری از منطقه کلانشهری و به خصوص بخش های حاشیه کلانشهر و گاهی هم از سایر استان ها به سکونتگاه اتفاق می افتد. در این دوره ضمن اینکه وابستگی شغلی به کلانشهر بالا است، شغل های خدماتی در محدوده سکونتگاه افزایش می یابد. ویژگی های اجتماعی - فرهنگی تفاوتی با مرحله قبل نداشته و حضور عناصر شهری تحت تأثیر چهره کالبدی روستایی غالب، کم رنگ می شود. مرحله سوم «دوره پیوستگی، انسجام و ثبات نسبی» نام دارد. در این دوره رشد انفجاری جمعیت کند و سرانجام متوقف و دوره مهاجر فرستی آغاز می شود و سکونتگاه غیر رسمی ضمن اینکه به رسمیت شناخته شده است شناسنامه دار می شود. در این مرحله رشد انفجاری جمعیت متوقف شده و تکثیر در سکونتگاه های رقیب پیرامونی آغاز می گیرد (شیخی، ۱۳۸۰: ۳۰۹ - ۳۰۵).

چارچوب نظری تشخیص روستاهای در حال گذار

عرضه زمین مسکونی ارزان قیمت در مقایسه با شهرهای مرکزی و حاشیه ای (فیالکوف: ۱۳۸۳؛ ۳۵)، نزدیکی مسافت به شهرهای مرکزی و حاشیه ای (گلی و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۷۱) در کنار گسترش شبکه حمل و نقل بین شهری (طاهرخانی و رکن الدین افتخاری، ۱۳۸۳: ۳۳)، از جمله دلایل مهاجر پذیری روستاهای در حال گذار است. وجود امکانات نسبی رفاهی از دیگر دلایل جذب مهاجرین در این نقاط جمعیتی است. با توجه به استقرار کارگاه‌های صنعتی در پیرامون شهرهای حاشیه‌ای و مرکزی و امکان اشتغال مهاجرین در این کارگاه‌ها از سویی و فراهم بودن امکان سکونت ارزان آنها در روستاهای در حال گذار از سویی دیگر، این نقاط جمعیتی در ارتباط عملکردی با شهرهای حاشیه ای و مرکزی، ایفای کارکرد خوابگاهی برای کارکنان کم درآمد بخش های خدمات و صنعت را بر عهده دارند.

نمودار ۱- ویژگی های مشخص کننده روستاهای در حال گذار



مهاجرین از سه مبداء وارد روستاهای در حال گذار می‌شوند. تهیدستان مهاجری که با علم به عدم توانایی زندگی در مرکز و یا شهر حاشیه، از استان های مبداء (به غیر از استان تهران) به روستاهای نزدیک شهر مرکزی مهاجرت می‌کنند، از مسیر اول وارد می‌شوند. مسیر دوم راه ورود آنانی است که از شهرهای حاشیه ی اطراف شهر مرکزی مهاجرت و در روستاهای نزدیک شهر سکنی می‌گزینند. این مهاجرین کسانی هستند که نه حاشیه را یارای فراهم آوردن امکانات زندگی برای آنها است و نه آنان توان زیستن در حاشیه را دارند، پس شهر حاشیه را به قصد روستاهای نزدیک ترک می‌کنند. و دسته سوم مهاجرینی هستند که مستقیماً از شهر مرکزی به این سکونتگاه ها وارد می‌شوند. اینان کسانی اند که دیگر تاب و توان زندگی در شهر مرکزی را ندارند، در نتیجه به سکونتگاهی در نزدیکی آن مهاجرت می‌کنند.

در حالی که یکی از دلایل سکونت مهاجرین در این روستاها امکان حفظ ویژگی های زندگی روستایی و قومی و قبیله ای است؛ ساکنان آنها به دلیل تماس های روزانه با شهر و دسترسی به وسایل ارتباط جمعی میل به بروز رفتارهای شهری نیز دارند. در نتیجه با تداخل ویژگی های فرهنگی روستایی و شهری، نظام فرهنگی دوگانه ظهور می‌کند. ورود این روستاها در مرحله زیر شهری آغاز حرکت در فرایند گذار از روستا به شهر است. در واقع روستاهای در حال گذار با قرار گرفتن در مرحله زیر شهری؛ گرایش به شهری شدن پیدا می‌کنند. در این مرحله سکونتگاه نه به طور کامل از ویژگی های فرهنگی و اجتماعی - اقتصادی روستایی برخوردار است و نه صورت شهر به خود گرفته است. به عبارت دیگر با وقوع تغییرات اجتماعی در این روستاها نمی‌توان در یک دسته بندی دو قطبی آنها را روستا و یا شهر نامید.

روش تحقیق

روش این تحقیق پیمایش و از تکنیک های مطالعه اسنادی، مشاهده و پرسشنامه به عنوان ابزارهای تحقیق استفاده شده است. همچنین با توجه به سه اصل هزینه، دقت، و کفایت (دواس: ۱۳۸۳؛ ۸۰)، مبنای تعیین حجم نمونه ۱۵ درصد جامعه آماری قرار گرفت. حجم نمونه آماری برای سکونتگاه انجم آباد با جامعه آماری ۱۲۵۸ خانوار، برابر با ۱۸۹، و حجم نمونه آماری برای سکونتگاه حصارمهر با جامعه آماری ۲۴۰ خانوار برابر با ۳۶ برآورد شد.

روستای انجم آباد:

روستای انجم آباد از توابع بخش مرکزی رباط کریم در مسیر جاده شهر شهریار به شهر رباط کریم و در حد فاصل این دو شهر واقع شده است، فاصله انجم آباد تا جاده اصلی ۱ کیلومتر و مسافت آن تا هر یک از شهر های حاشیه ای شهریار و رباط کریم ۱۰ کیلومتر است. روستای انجم آباد با شهر تهران

۴۵ کیلومتر فاصله دارد. مساحت روستای انجم آباد و اراضی متعلق به آن ۸۰۸ هکتار است (مدیریت جهاد کشاورزی شهرستان رباط کریم: ۱۳۸۷).

سابقه شکل گیری انجم آباد به بیش از ۱۶۵ سال پیش می رسد. اقوام بختیاری و شاهسون تشکیل دهنده هسته اصلی ساکنین انجم آباد بوده اند. ۶۰ سال پس از شکل گیری نیز عده ای از شیراز و کاشان برای اشتغال در بخش کشاورزی به انجم آباد مهاجرت کرده اند. از این به بعد این آبادی همواره مهاجر پذیر بوده است (جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران، ۱۳۷۰: ۱۹). در دوران کنونی نیز گسترش شبکه حمل و نقل بین شهری و مسافت کم انجم آباد با دو شهرحاشیه ای رباط کریم و شهریار، و شهر مرکزی تهران، زمینه پذیرش مهاجرین را فراهم کرده است.

بر اساس آمار موجود جمعیت انجم آباد ظرف مدت ۵۰ سال از ۶۳۴ نفر در سال ۱۳۳۵ (جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران: ۱۳۷۰؛ ۱۹) به ۴۸۵۰ نفر در سال ۱۳۸۵ رسیده است (نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۸۵ و ۱۳۸۷). در این دوره ۵۰ ساله جمعیت انجم آباد با نرخ رشد سالانه ۳/۹ درصد مواجه بوده است. این در حالی است که متوسط رشد سالانه جمعیت در همین بازه زمانی در کل کشور ۲/۵ درصد بوده است. همچنین متوسط نرخ رشد جمعیت در نقاط روستایی کشور در ۵۰ سال مورد بحث ۱ درصد بوده است (نتایج کلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵: ۲۸ - ۲۷). به عبارت دیگر نرخ رشد جمعیت در روستای انجم آباد از کل کشور و کل نقاط روستایی بیشتر است. زبان مردم انجم آباد فارسی و ترکی است. این روستا از امکانات راه آسفالت، وسایل نقلیه عمومی، برق، تلفن، گاز شهری، دفتر پستی، پست بانک، دفتر مخابرات، مرکز تلفن، شعبه توزیع نفت، پوشش امواج رادیویی و تلویزیونی، مدارس دخترانه و پسرانه ابتدایی، راهنمایی و متوسطه، آب آشامیدنی تصفیه شده، آب لوله کشی، خانه بهداشت، درمانگاه و مرکز بهداشت، داروخانه، مطب پزشک، مطب مامائی، مطب دندان پزشکی، حمام، باشگاه ورزشی، سالن ورزشی چند منظوره، مسجد، حسینیه، پایگاه مقاومت بسیج، شرکت تعاونی روستایی، شورای حل اختلاف، شورای اسلامی روستایی و دهیاری برخوردار است. همچنین طرح هادی روستای انجم آباد در سال ۱۳۷۰ تهیه و تدوین، و در سال ۱۳۷۹ اجرا شده است. در نقشه کاربری های پیشنهادی در طرح هادی انجم آباد، اراضی ذخیره جهت کاربری مسکونی پیش بینی شده است (جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران، ۱۳۷۰).

بر مبنای اطلاعات نرم افزار آبادی های مرکز آمار ایران در سال ۱۳۸۲ تعداد بهره بردارن اراضی کشاورزی انجم آباد ۱۶۰ نفر بوده است که در ۱۹۸ هکتار از اراضی این روستا مشغول به باغداری هستند. به این ترتیب متوسط اندازه واحد بهره برداری برای هر نفر ۱/۲ هکتار است. همچنین بخش کوچکی از اهالی به دامداری نیمه صنعتی اشتغال دارند. ترکیب اشتغال در سال ۱۳۷۰ در روستای انجم آباد نشان می دهد که بیشتر شاغلین در بخش خدمات (۴۲/۳ درصد) مشغول به کار هستند. ۳۸/۵

درصد بخش کشاورزی، و ۱۹/۲ درصد نیز در بخش صنعت اشتغال داشته اند. اکثر شاغلین بخش های خدمات و صنعت در بیرون از روستا مشغول به کار بوده اند (جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران: ۱۳۷۰؛ ۳۰). این موضوع نشان می دهد که روستا برای بخشی از جمعیت خود کارکرد خوابگاهی دارد. در حال حاضر نیز بیشتر مردم بومی این روستا در بخش کشاورزی، و بیشتر مردم مهاجر در بخش های خدمات، ساختمان و مشاغل صنعتی اشتغال دارند. همچنین تعدادی از مهاجران در بخش کشاورزی به عنوان کارگر روز مزد به فعالیت اقتصادی می پردازند. در سال های اخیر به دلیل کمبود آب کشاورزی اکثر باغات این روستا که عموماً باغ انگور بوده اند خشک شده است. مالکین باغات خشک شده ای که در مجاورت روستا قرار دارند زمین لازم را برای ساخت و سازهای غیر رسمی در بخش مسکن تأمین کرده اند.

روستای حصار مهتر:

روستای «حصار مهتر» در بخش مرکزی شهرستان رباط کریم واقع شده است. اطلاع دقیقی از زمان شکل گیری حصار مهتر وجود ندارد. این روستا در فاصله ۱/۵ کیلومتری جاده شهریار به رباط کریم واقع شده است مسافت روستا تا شهر های شهریار و رباط کریم به ترتیب ۱۷ و ۶ کیلومتر است. روستای حصار مهتر با شهر تهران از طریق اتوبان تهران - ساوه ۴۵ کیلومتر فاصله دارد. این روستا تا پادگان های نظامی منطقه پرندک ۲ کیلومتر فاصله دارد. مساحت حصار مهتر ۵۰۰ هکتار است (خوشینی و رستمی ثانی، ۱۳۷۳: ۲۴). عبور جاده پر تردد از نزدیکی این روستا که پادگان ها و خانه های سازمانی نظامی پرندک را به جاده شهریار و رباط کریم وصل می کند، امکان تردد آسان ساکنین حصار مهتر را به شهرهای اطراف فراهم ساخته است. حصار مهتر در ارتباط عملکردی با شهرهای شهریار و رباط کریم و برخی سکونتگاه های مجاور نظیر آلارد، قرار دارد.

بر اساس آمار موجود جمعیت حصار مهتر ظرف مدت ۵۰ سال از ۴۸۶ نفر در سال ۱۳۳۵ به ۸۶۵ نفر در سال ۱۳۸۵ رسیده است. نرخ رشد سالانه جمعیت در این دوره ۵۰ ساله ۱/۱ درصد بوده است. این نرخ هر چند اندکی از نرخ رشد سالیانه جمعیت در نقاط روستایی کل کشور (۱ درصد) بیشتر است اما از نرخ متوسط سالانه کل کشور در همین بازه زمانی (۲/۵ درصد) کمتر است. روستای حصار مهتر به غیر از حد فاصل سال های ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ که جمعیت آن با نرخ رشد سالانه منفی (۱/۲-٪) روبرو بوده است، همواره با افزایش جمعیت روبرو بوده است.

زبان مردم حصار مهتر فارسی و ترکی است. این روستا از امکانات راه آسفالت، وسایل نقلیه عمومی، آب آشامیدنی تصفیه نشده، آب لوله کشی، برق، تلفن، گاز شهری، صندوق پست، مخابرات، پوشش امواج رادیویی و تلویزیونی، مدارس دخترانه و پسرانه ابتدایی و راهنمایی، خانه بهداشت، بهورز، حمام، مسجد، پایگاه مقاومت بسیج، شرکت تعاونی روستایی، شرکت تعاونی تولید کشاورزی،

شورای اسلامی روستایی و دهیاری برخوردار است. همچنین طرح هادی روستای حصار مهتر در سال ۱۳۷۳ تهیه و تدوین، و در سال های اخیر اجرا شده است.

اطلاعات نرم افزار آبادی های مرکز آمار ایران در سال ۱۳۸۲ نشان می دهد تعداد بهره بردارن اراضی کشاورزی در حصار مهتر ۶۰ نفر است که در ۶۰ هکتار از اراضی مشغول به باغداری هستند. در سال های اخیر به دلیل کمبود آب کشاورزی اکثر باغات این روستا که عموماً باغ انگور بوده اند خشک شده است. بخش کوچکی از اهالی نیز به دامداری نیمه صنعتی اشتغال دارند. ترکیب اشتغال در سال ۱۳۷۰ نشان می دهد که اکثر شاغلین در بخش کشاورزی (۴۵/۷ درصد) اشتغال دارند. همچنین محل اشتغال ۳۰/۳ درصد از شاغلین در بیرون از روستا است (خوشبینی و رستمی ثانی، ۱۳۷۳: ۲۱). در حصارمهتر به دلیل کمبود آب کشاورزی بیشتر باغات انگور خشک و در مواردی تبدیل به سکونتگاه بی ضابطه شده است.

ویژگی های جامعه شناختی روستاهای در حال گذار

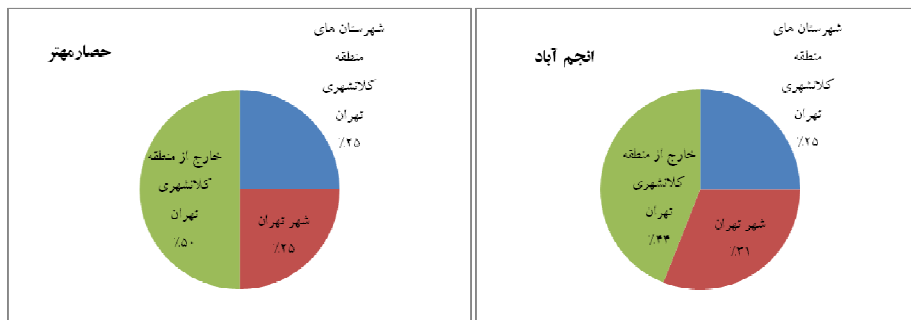
بر اساس مشاهدات میدانی مهاجر پذیری و افزایش جمعیت، همزمان با گستره نفوذ وسایل ارتباط جمعی نظیر رادیو (از سال ۱۳۲۰ ه. ش)، تلویزیون (از سال ۱۳۵۲ ه. ش)، و ماهواره (طی دهه اخیر)، نظام فرهنگی دوگانه ای بین دو قطب شهری و روستایی در انجم آباد و حصارمهتر حاکم کرده است. رسانه ها با تبلیغ و به نمایش گذاردن شیوه زیست شهری، روستاییان را به پذیرش فرهنگ شهری ترغیب می کنند. این در حالی است که ایستارهای فرهنگ روستایی و روابط چهره به چهره در میان بخشی از مردم این روستاها حاکم است. از سویی دیگر عده ای که به طور روزانه به شهر تردد می کنند و آن دسته از مهاجرینی که پیش از این در شهر ساکن بوده اند تمایل دارند با الگو برداری از شیوه زیست شهری، فرهنگ و شیوه زیست شهرنشینان را اختیار کنند. به این ترتیب روستاهای انجم آباد و حصارمهتر به سوی شهری شدن گرایش پیدا کرده اند. این در حالی است که مشاهدات نشان می دهد ساکنین این روستاها در عین حال به دنبال حفظ ویژگی های قومی و فرهنگ روستایی نیز هستند، در نتیجه نظام فرهنگی دوگانه شهری - روستایی در روستاهای انجم آباد و حصارمهتر ظهور کرده است.

افزایش جمعیت به خودی خود این روستاها را در فرایند گذار از روستا به شهر قرار داده است. با این تفاوت که انجم آباد به دلیل آغاز زود تر دوران مهاجر پذیری و امکانات زندگی بهتر در گام دوم فرایند گذار است، و در نظام سلسله مراتب روستا - شهری به طور کامل به مرحله زیر شهری وارد شده است و حصارمهتر در گام اول فرایند گذار و در ابتدای مرحله زیر شهری قرار دارد.

در روستای انجم آباد با جمعیت ۴۸۵۰ نفر ۱۲۵۸ خانوار و در روستای حصار مهتر با جمعیت ۸۶۵ نفر ۲۴۰ خانوار ساکن هستند. متوسط بعد خانوار در انجم آباد ۳/۸۵ و در حصارمهتر ۳/۶۰ است.

تفاوت محسوسی بین بُعد خانوار در روستاهای انجم آباد و حصار مهتر وجود ندارد. این در حالی است که متوسط بعد خانوار در این دو روستا از متوسط بعد خانوار در نقاط روستایی کل کشور (۴/۳۶) کمتر و مشابه متوسط بعد خانوار در نقاط شهری (۳/۸۹) است (نتایج کلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵: ۳۱). به این ترتیب حرکت هر دو روستا در فرایند گذار با کوچک شدن بعد خانوار بمانند نقاط شهری همراه بوده است. این یافته نشان می دهد آغاز حرکت روستاها در فرایند گذار با کوچک شدن بعد خانوار همراه است و این مسئله نمی تواند متأثر از جایگاه روستا در مراحل گذار باشد.

نمودار ۲- مبداء مهاجرت سرپرستان خانوار به روستاهای در حال گذار



۷۲/۵ درصد از سرپرستان خانوار در انجم آباد را مهاجرین تشکیل می دهند. این در حالی است که ۴۴ درصد از سرپرستان خانوار در حصار مهتر مهاجر و ۶۶ درصد بومی هستند. ۲۵ درصد مهاجرین هر دو روستا پیش از این در یکی از شهرستان های عضو منطقه کلان شهری تهران سکونت داشته اند. همچنان که ۳۱ درصد مهاجرین به انجم آباد و ۲۵ درصد مهاجرین به حصار مهتر مستقیماً از شهر مرکزی تهران وارد این دو سکونتگاه شده اند. در انجم آباد ۵۶ درصد و در حصار مهتر ۵۰ درصد مهاجرین پیش از این در منطقه کلانشهری تهران سکونت داشته اند.

محل سکونت قبلی ۵۰ درصد مهاجرین به حصار مهتر و ۴۴ درصد مهاجرین به انجم آباد خارج از منطقه کلانشهری تهران بوده است. نتایج نشان می دهد روستای انجم آباد که در مرحله دوم فرایند گذار قرار دارد ضمن اینکه میزبان مهاجرین بیشتری از کل منطقه کلان شهری تهران بوده است؛ از مبادی مهاجرتی بیشتری نسبت به روستای حصار مهتر که در مرحله اول گذار به سر می برد جذب مهاجر کرده است.

مجموعاً ۳۵ درصد از کل مهاجرین، در جستجوی کار به انجم آباد مهاجرت کرده اند. کما اینکه ۴۲ درصد از کل مهاجرین وارده شده به انجم آباد طی سال های پس از پایان جنگ تحمیلی و تا اواخر دوران سازندگی (۱۳۷۵ - ۱۳۶۶) به علت جستجوی کار به این سکونتگاه مهاجرت کرده اند. هر چند باید توجه داشت که در تمام دوران مورد تحلیل سکونتگاه انجم آباد همواره در معرض پذیرش مهاجرین در جستجوی کار بوده است.

جدول ۱- علت مهاجرت سرپرستان خانوار به روستای در حال گذار (ارقام به درصد)

سال	۱۳۵۵ و قبل از آن		۱۳۵۶ الی ۱۳۶۵		۱۳۶۶ الی ۱۳۷۵		۱۳۷۶ الی ۱۳۸۵		۱۳۸۶ و به بعد		کل	
	حصار مهتر آباد	حصار مهتر آباد	حصار مهتر آباد	حصار مهتر آباد	حصار مهتر آباد	حصار مهتر آباد	حصار مهتر آباد	حصار مهتر آباد	حصار مهتر آباد	حصار مهتر آباد	حصار مهتر آباد	حصار مهتر آباد
علت مهاجرت												
جستجوی کار	۳۶	۴۰	۳۳	۰	۴۲	۳۳	۳۵	۲۹	۲۳	۱۰۰	۳۵	۳۷/۵
مسکن ارزان قیمت	۷	۰	۸	۰	۴۲	۶۷	۴۵	۵۷	۷۷	۰	۳۳	۳۷/۵
پیروی از خانوار	۵۷	۶۰	۳۶	۰	۱۳	۰	۱۵	۱۴	۰	۰	۲۳	۲۵
جنگی بودن شرایط منطقه	۰	۰	۲۰/۵	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۶	۰
سایر	۰	۰	۳	۰	۳	۰	۵	۰	۰	۰	۳	۰
کل	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

تنها ۴۵ درصد از شاغلین انجم آباد و ۲۸ درصد شاغلین در حصارمهتر در محل سکونت شان مشغول به کارند. این به این معنی است که این روستاها دارای کارکرد خوابگاهی هستند. ضمن اینکه

نشان دهنده میزان بالای وابستگی شغلی به کانون های اقتصادی اطراف است و اینکه هیچ کدام از دو روستای در حال گذار از یک بازار اقتصاد محلی جهت پاسخ به نیازهای اقتصادی ساکنین شان بهره مند نیستند. به عبارت دیگر این روستاها دارای ارتباط عملکردی با کانون های اقتصادی اطراف هستند. ارتباط عملکردی با کانون های اطراف یکی از ویژگی هایی است که شیخی (۱۳۸۰) برای هر سه مرحله فرایند گذار بر می شمارد (۳۰۹ - ۳۰۵). خراط زبردست (۱۳۷۹) نیز در تحقیق خود نتیجه می گیرد که سکونتگاه های خودرو در ارتباط عملکردی با شهر تهران و شهرهای حاشیه آن قرار دارند (۶۷).

میزان بیشتری از شاغلین حصارمهر (۷۲ درصد) نسبت به انجم آباد (۵۵ درصد) در خارج از روستا شاغل هستند. این مسئله ناشی از تفاوت در مراحل گذار است. با حرکت روستاها در فرایند گذار برخی از نیازهای خدماتی روستا از قبیل مغازه داری و ساخت و ساز در همانجا پاسخ داده می شود. از این رو در انجم آباد که یک گام جلو تر از حصار مهر در فرایند گذار است؛ بیشتر کسانی که در داخل روستا شاغل اند، در بخش خدمات فعالیت می کنند.

بحث و نتیجه گیری

در منطقه کلانشهری تهران برخی نقاط روستایی وجود دارند که جمعیت آنها به طور فزاینده ای رو به افزایش است. مهمترین ویژگی اجتماعی - اقتصادی این روستاها مهاجر پذیری است. نقاط جمعیتی مذکور همانند جامعه ایران در فرایند گذار از سنت به مدرنیته قرار دارند. همچنین این سکونتگاه ها با افزایش جمعیت و تأثیر پذیری از شهر مرکزی تهران و شهرهای اطراف آن در فرایند گذار از روستا به شهر نیز قرار گرفته اند. به این ترتیب این روستاها هم تحت تأثیر تغییر و تحولات اجتماعی و فرهنگی ناشی از حرکت جامعه ایران به سمت مدرنیته قرار دارند و هم دچار وضعیت اجتماعی - اقتصادی، فرهنگی و سیاسی ویژه ای شده اند که ناشی از قرار گرفتن در فرایند گذار از روستا به شهر است. در این نقاط جمعیتی ساختار فرهنگی دوگانه روستایی - شهری حاکم است. روستاهای مورد مطالعه فرهنگ و سازمان روستایی خویش را با گونه های فرهنگی متمایز و بعضاً متضاد ساکنین جدید خویش جایگزین و به همراه افزایش فزاینده جمعیت به سمت تبدیل شدن به سکونتگاه خودرو سوق پیدا کرده اند. در این پژوهش این نقاط جمعیتی تحت عنوان «روستاهای در حال گذار» طرح شده اند. روستاهای در حال گذار در فرایند حرکت خویش به سمت شهر شدن از سه مرحله عبور می کنند. مرحله اول که آغاز مهاجر پذیری است «شکل گیری اولیه» نام دارد. مرحله دوم که با رشد انفجاری جمعیت و رشد خودرو سکونتگاه همراه است؛ مرحله «انتقال و گذار» نام دارد. و مرحله سوم دوره «پیوستگی، انسجام و ثبات نسبی» این روستاهاست.

با انطباق برخی ویژگی های جامعه شناختی روستاهای حصارمهرت و انجم آباد با ویژگی های مشخص کننده روستاهای در حال گذار مشخص شد این دو روستا درحال گذار هستند. سکونتگاه انجم آباد به دلیل امکانات بهتر با افزایش جمعیت بیشتری مواجه بوده است. جایگاه این روستا در فرایند گذار از روستا به شهر در دوره دوم یعنی «انتقال و گذار سکونتگاه» است. این در حالی است که روستای حصار مهرت در عین مهاجر پذیری با حفظ فرهنگ و بافت روستایی خویش در اولین گام مسیر گذار قرار گرفته است. نام این دوره «شکل گیری اولیه» است.

طی دهه های اخیر دو روستای انجم آباد و حصارمهرت با افزایش جمعیت در نتیجه ی مهاجر پذیری روبرو بوده اند. نتایج تحقیق نشان می دهد شروع زودتر مهاجر پذیری و تداوم سکونت مهاجرین یکی از مهمترین دلایل تفاوت روستاها در قرار گیری در یکی از مراحل سه گانه گذار است. جستجوی کار، مسکن ارزان قیمت، و پیروی از خانوار به ترتیب مهم ترین دلایل مهاجرت به روستاهای در حال گذار هستند. محل سکونت قبلی بیش از نیمی از مهاجرین یکی از نقاط جمعیتی منطقه کلانشهری تهران بوده است.

در هر دو روستا به دلیل کمبود آب کشاورزی باغات بسیاری خشک و بیشتر زمین های مزروعی بایر شده اند. این مسئله یکی از عوامل تغییر شیوه معیشت در این روستاها است. مالکین آن دسته از باغات خشک شده و زمین های بایر که نزدیک بافت مسکونی روستا بوده اند و دست اندرکاران محلی زمین و مسکن با تفکیک این اراضی، زمین لازم را برای ساخت و ساز غیر رسمی (بی ضابطه و غیر مجاز) در اختیار مهاجرین قرار داده اند. محل اشتغال بیشتر ساکنین روستاهای در حال گذار یکی از کانون های اقتصادی اطراف است. در نتیجه این روستاها در ارتباط عملکردی با شهر مرکزی تهران و و یا یکی از شهرهای منطقه کلانشهری تهران قرار دارند. در واقع ارتباط عملکردی با شهر تهران و شهرهای اطراف یکی از ویژگی های حیات اقتصادی - اجتماعی این روستاها در تمام مراحل گذار است. وجود امکانات نسبی رفاهی و نزدیکی به شهر مرکزی تهران و شهرهای حاشیه ای شهریار و رباط کریم باعث شده است که کارکنان بخش های صنعت و خدمات از این روستاها به عنوان خوابگاه استفاده کنند. این یافته مبین یکی دیگر از دلایل تغییر شیوه معیشت از کشاورزی به خدماتی و یا صنعتی در این دو سکونتگاه است. این یافته که برخی از روستاها کارکرد خوابگاهی دارند و شیوه معیشت در آن ها متفاوت از روستاهای کلاسیک است واقعیتی است که در آثار مهمترین جامعه شناسان روستایی ایران - وثوقی (۱۳۸۰)، ازکیا و غفاری (۱۳۸۳) و طالب (۱۳۸۴) - مورد توجه نبوده است. به عبارت دیگر مهمترین دستاورد این پژوهش معرفی روستاهایی است که ضمن اینکه شیوه معیشت غالب در آن ها کشاورزی و دامداری نیست، در خدمت کانون های اقتصادی اطراف و شهر مرکزی تهران، برای کارکنان تهیدست بخش صنعت و خدمات کارکرد خوابگاهی ایفا می کنند. این یافته در

کنار حاکمیت نظام فرهنگی دوگانه روستایی - شهری نشان دهنده تفاوت در ساختار اجتماعی - اقتصادی و ویژگی های جامعه شناختی این روستاها با روستاهای کلاسیک است.

منابع

۱. ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری (۱۳۸۳) توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران، نشر نی، تهران.
۲. اعتماد، گیتی (۱۳۸۵) مهاجرت در ایران در دهه های اخیر/ در: شهرنشینی در ایران، فرخ حسامیان، گیتی اعتماد و محمد رضا حائری، موسسه انتشارات آگاه، تهران.
۳. برنار شاریه، ژان (۱۳۷۳)، شهرها و روستاها، ترجمه: سیروس سهامی، نیکا، مشهد.
۴. بشیریه، حسین (۱۳۸۲)، دیباچه ای بر جامعه شناسی سیاسی ایران دوره جمهوری اسلامی ایران، موسسه نگاه معاصر، تهران.
۵. جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران، واحد طرح ها و تحقیقات (۱۳۷۰)، طرح هادی روستای انجم آباد، به سفارش: سازمان جهاد سازندگی استان تهران، اداره بهسازی مسکن، تهران.
۶. خراط زبردست، اسفندیار (۱۳۷۹)، «بررسی ارتباط عملکردی سکونتگاه های خودروی اطراف کلانشهر تهران»، فصلنامه هنرهای زیبا، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، شماره ۸، صفحات ۷۳ - ۶۵، تهران.
۷. خوشبینی، سیامک و امیر رستمی ثانی (۱۳۷۳)، طرح هادی روستای حصار مهتر، به سفارش سازمان جهاد سازندگی استان تهران، تهران.
۸. داود پور، زهره (۱۳۸۴)، کلانشهر تهران و سکونتگاه های خودروی، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، تهران.
۹. دیاس، هیران دی و دی. دبلیو. ای. ویکرامانایاک (۱۳۷۷)، درسنامه برنامه ریزی توسعه روستایی، ترجمه: ناصر فرید، وزارت جهاد سازندگی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، تهران.
۱۰. دواس، دی. ای (۱۳۸۳)، پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه: هوشنگ نایی، نی، تهران.
۱۱. رضوانی، علی اصغر (۱۳۸۲)، رابطه شهر و روستا، ماکان، تهران.
۱۲. زنجانی، حبیب الله (۱۳۸۲)، مجموعه شهری تهران: گزیده مطالعات جمعیتی، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران.
۱۳. شیخی، محمد (۱۳۸۰)، تبیین فرایند شکل گیری و دگرگونی سکونتگاه های خودروی پیرامون کلانشهر تهران - مطالعه موردی اسلامشهر، نسیم شهر و گلستان، رساله دکتری، گروه شهر سازی، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران.
۱۴. شیخی، محمد (۱۳۸۵)، «مدیریت شهری و سکونتگاه های خودرو در منطقه کلانشهری تهران»، فصلنامه مدیریت شهری، سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور، شماره ۱۸، صفحات ۸۷ - ۷۴، تهران.

۱۵. طالب، مهدی (۱۳۸۴)، جامعه شناسی روستایی ابعاد تغییر و توسعه در جامعه روستایی ایران، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۱۶. طاهرخانی، مهدی و عبدالرضا رکن الدین افتخاری (۱۳۸۳)، «تحلیل نقش روابط متقابل شهر و روستا در تحول نواحی روستایی - استان قزوین، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، شماره پیاپی ۳۵، صفحات ۱۱۱ - ۷۹، تهران.
۱۷. عظیمی حسین (۱۳۸۵)، مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران، نشر نی، تهران.
۱۸. غمامی، مجید و اعظم خاتم و کمال اطهاری (۱۳۸۶)، مجموعه شهری تهران؛ مدیریت یکپارچه و حل مسئله اسکان غیر رسمی، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران.
۱۹. فرید، یدالله (۱۳۸۱)، جغرافیای جمعیت، دانشگاه تبریز، تبریز.
۲۰. فریدمن، جان و مایکل داگلاس (۱۳۶۳)، توسعه روستا - شهری، ترجمه: عزیز کیانوند، سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اجتماعی و اقتصادی و انتشارات، تهران.
۲۱. فشارکی، پریدخت (۱۳۷۵)، جغرافیای روستایی، مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.
۲۲. فیالکوف، یانکل (۱۳۸۳)، جامعه شناسی شهر، ترجمه: عبدالحسین نیک گهر، آگه، تهران.
۲۳. کاستللو، وینسنت فرانسیس (۱۳۸۳)، شهرنشینی در خاور میانه، ترجمه: پرویز پیران و عبدالعلی رضایی، نشر نی، تهران.
۲۴. گلی، علی و علی عسگری و عبدالرضا رکن الدین افتخاری (۱۳۸۳)، «تبیین الگوی فضایی روستاهای در حال گذار با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی: منطقه شمال غرب ایران»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، شماره پیاپی ۳۵، تهران.
۲۵. گاگلر، ژوزف (۱۳۷۵)، اختلاف سطح شهری - روستایی و مهاجرت، در: شهرها، فقر و توسعه، آلن گیلبرت و ژوزف گاگلر، ترجمه: پرویز کریمی ناصری، اداره کل روابط عمومی و بین الملل شهرداری تهران، تهران.
۲۶. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶)، جامعه شناسی، ترجمه: حسن چاوشیان، نشر نی، تهران.
۲۷. لوید، پیتر (۱۳۸۱)، طبقه کارگر یا تهیدستان شهری، ترجمه: حسینعلی نوذری، قطران، تهران.
۲۸. متوسلی، محمد مهدی و حسن اسماعیل زاده (۱۳۸۵)، «رشد و پراکنش جمعیت در مناطق کلاشهری»، فصلنامه مدیریت شهری، سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور، شماره ۱۸، صفحات ۷۳ - ۶۰، تهران.
۲۹. مدیریت جهاد کشاورزی شهرستان رباط کریم (۱۳۸۷)، مساحت روستای انجم آباد، مراجعه حضوری برای دریافت اطلاعات، رباط کریم.
۳۰. نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵، درگاه ملی آمار، ت ر: (۴/۷/۱۳۸۷) و (۲۴/۹/۱۳۸۷)
۳۱. نتایج کلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن - ۱۳۸۵، مرکز آمار ایران - معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری.

۳۲. نرم افزار آبادی‌ها (۱۳۸۲)، مرکز آمار ایران، تهران.

۳۳. وثوقی، منصور (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی روستایی، انتشارات کیهان، تهران.

34. Dahms, Fred (1998). "Settlement Evolution in the Arena Society in the Urban Field". *Journal of Rural Studies*. Vol, 14. No, 3. Pp, 299-320
35. Liu, Yuting & Shenjing He & Fulong Wu & Chris Webster (2010). "Urban villages under China's rapid urbanization: Unregulated assets and transitional neighbourhoods". *Journal of Habitat International*. Vol 34. Pp, 135-144.
36. Pu, Hao & Richard Sliuzas & Stan Geertman (2010). "The development and redevelopment of urban villages in Shenzhen". *Journal of Habitat International*. Vol XXX. Pp, 1 - 11

